

گزارشی درباره :

نقض حقوق زنان مهاجر و پناهنده

● مبارزه جهانی برای حقوق زنان ●

● ترجمه محمد صفوی ●

این گزارش توسط خانم Leni marin یکی از فعالین فمینیست و مدافع حقوق زنان تهیه و تنظیم شده است. برای نخستین بار، پس از تشکیل سازمان ملل موضوع مهم حقوق زنان در دستور کار کنفرانس جهانی حقوق بشر قرار گرفت. پس از تلاشهای همه جانبه فعالین مدافع حقوق زنان، سرانجام در ماه ژوئن ۱۹۹۳ همزمان با آغاز کنفرانس جهانی حقوق بشر طوماری با همکاری بیش از ۸۰۰ گروه زنان با ۵۰۰/۰۰۰ امضاء که در طی دو سال تهیه شده و موضوع آن در ارتباط با حقوق زنان بود، به دبیر کل سازمان ملل تحویل داده شد.

قبل از اینکه تلاشها و اقدامات از جانب گروههای زنان، خشونت علیه زنان و همچنین تبعیض بر اساس جنسیت، هیچگاه به عنوان مبارزه ای برای حقوق بشر از جانب سازمانها و محافل حقوق بشر شناخته نمی شد.

خشونت علیه زنان و خشونتهای خانوادگی همیشه از جانب این محافل با تعبیری از قبیل اینکه، خشونت در خانواده بک امر خصوصی و خانوادگی در محدوده خانه مرد است؛

با اینکه کتک خوردن زنان توسط شوهرانشان یک امر فرهنگی است، مطرح شده است. تجاوز جنسی به زنان سیاسی در بند، توسط نظامیان هیچگاه، به عنوان نوعی از شکنجه و نقض حقوق انسانی از جانب سازمان حقوق بشر شناخته نمی شود. کتک خوردن زنان توسط شوهرانشان یا از جانب دوستان مرد خود نه به عنوان آزار و اذیت بلکه به عنوان امری خصوصی بین دو زوج تلقی می شد.

در ماه ژوئن ۱۹۹۳ همزمان با برپای کنفرانس حقوق بشر در وین، کنفرانس جداگانه ای در مورد خشونت علیه زنان نیز برگزار شد. در این کنفرانس زنانی که از کشورهای مختلف دنیا آمده بودند گزارشهای خود را در ارتباط با خشونت در خانواده، جنایتهای جنگی علیه زنان، مانند مورد تجاوز جنسی قرار گرفتن در هنگام جنگ، نقض حقوق حاکمیت بر بدن خود، بهداشت، جنسیت و موقعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، ارائه دادند. همچنین سازمانهای مستقل در کنار کنفرانس اصلی، کنفراس برگزار کردند که موضوع آن حقوق بشر بود که یکی از موضوعات اصلی تحت عنوان «زنان در حرکت» برگزار شد. در این بخش تأکید اصلی در مورد نقض حقوق زنان مهاجر و پناهنده در سراسر دنیا بود که طی برگزاری کلاسهای آموزشی و اطلاعاتی، نمایندگان زنان مهاجر و پناهنده در مورد نقض حقوق شان از جانب کشورهای مختلف صحبت نمودند. هم اکنون ۷۵ تا ۸۰ درصد پناهندگان دنیا را زنان و کودکان تشکیل می دهند، این در حالی است که رقم کل پناهندگان دنیا تقریباً معادل ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر گزارش شده است.

در این بخش از کنفرانس که اختصاص به زنان پناهنده و مهاجر داشت، خانم Maria Olea از کشور شیلی، که هم اکنون در آمریکا زندگی می کند، از جانب گروه زنان مهاجر و پناهنده امریکای لاتین بنام *Mujeres Unidas Y Activas* (زنان متحد و فعال) سخنرانی در مورد وضعیت زنان پناهنده و مهاجر ایراد نمود که ذیلاً ترجمه آنرا می آوریم. این سخن در مجله ماهانه *(Cross Roads)* در ماه مارس ۱۹۹۲ چاپ شده است. (تعبیر خانم ماریا اوله، حرف تمامی زنان از جمله آن دسته از زنان ایرانی است که بخاطر اعمال فشار و خشونت در خانواده رنج می برند.)

من هماهنگ کننده گروه «زنان متحد و فعال هستم» این گروه متشکل از ۱۸۰ زن پناهنده و مهاجر از امریکای لاتین است که هم اکنون در کشور آمریکا زندگی می کنیم. این گروه بخشی از یک ائتلاف برای کسب حقوق زنان مهاجر و پناهنده است که مقر آن در سانفرانسیسکو (کالیفرنیا) می باشد. مهمترین اهداف ما شامل آگاهی دادن و آموزش و حمایت از زنان امریکای لاتین در جهت کسب حقوق خودمان در کشور میزبان است تا از این طریق بتوانیم اعتماد به نفس از دست رفته خودمان را بازیابیم و نیروی مان را در جهت مبارزه برای کسب حقوق خود و خانواده هایمان سازمان دهیم. تنها از این طریق است که ما زنان می توانیم پیشگام قشر و جامعه خود باشیم و از عدالت اجتماعی دفاع کنیم. به عنوان یک زن شیلیایی، یک مادر و یک مددکار اجتماعی از ۵ سال پیش که وارد آمریکا شدم تاکنون هر روز شاهد تبعیض و باعمال شدن حقوق مهاجرین و پناهندگان

بوده‌ام. در آمریکا و هر کشور دیگر داشتن زندگی درخور انسانی، بهداشت عمومی، آموزش و پرورش و داشتن محیط به دور از تبعیض نژادی باید جزء حقوق لاینفک مردم باشد و حقوق سیاسی، مذهبی و جنسی انسانها توسط قانون تأمین و پشتیبانی شود.

در کشورهای توسعه یافته نظیر آمریکا که از نظر اقتصادی نیاز به مهاجرین و نیروی کار آنان دارد، رفتار غیرانسانی داشتن با مهاجرین و پناهندگان غیرقابل قبول است. ضدیت با مهاجرین و پناهندگان حقوق و زندگی ما را تحت تأثیر قرار داده است. همه انسانها صرف نظر از رنگ پوست و جنسیت باید مورد حمایت بی قید و شرط قرار بگیرند. این بسیار دردناک و ناگوار است هنگامی که دولت، مهاجرین و پناهندگان را مورد سرزنش قرار می‌دهد و آنها را عامل اصلی تمام مشکلات و بحرانهای جامعه معرفی می‌کند. این اتهامات جدی فقط گرایشات نژاد پرستانه را افزایش می‌دهد و دست نیروهای راست افراطی را برای سرکوب فیزیکی مهاجرین و پناهندگان باز می‌گذارد.

من به عنوان یک زن مهاجر همچنین می‌خواهم به شما بگویم که چگونه قوانین غیرانسانی و نژاد پرستانه روی زندگی ما تأثیر می‌گذارد. این قوانین می‌گویند: نوزادان، از پدر و مادری که به عنوان پناهنده و «غیرقانونی» در آمریکا زندگی می‌کنند به عنوان شهروند دائم (CITIZEN) شناخته نخواهند شد و فرزندان این خانواده‌ها حق رفتن به مدرسه را ندارند و زنان حامله پناهنده و فرزندانشان بر اساس قوانین موجود قادر نیستند که از امکانات بهداشتی و درمانی استفاده نمایند. اگر احتیاج به کمک پزشکی و درمانی بود این افراد باید قبل از هر چیزی به مسئولین اداره مهاجرت گزارش دهند.

به عنوان یک زن می‌خواهم به شما و به تمام دنیا بگویم که زندگی برای زنان پناهنده بسیار سخت و دشوار است. تعداد زیادی از ما زنان در کشورهاییمان با بد رفتاری و خشونت‌های جدی مواجهه کرده‌ایم. اما بعد از اینکه به کشور میزبان آمده‌ایم اوضاع برای بخشی از ما زنان هیچگاه تغییری نکرده و بهتر نشده است، خصوصاً برای زنانی که برگه‌های اجازه اقامت ندارند و آنها را پناهنده‌های غیرقانونی می‌نامند. بسیاری از ما هر ساعه هنگام فرار از کشورهای خودمان مورد حمله و تجاوز جنسی قرار می‌گیریم. بیشتر این تجاوزات در اردوگاههای پناهندگی، در هنگام عبور از مرزها و یا در قایق‌ها هنگام فرار از مرزهای آبی صورت می‌گیرد. دوری از خانه و اقوام خود و ناآشنا بودن با زبان و فرهنگ کشور جدید، ندانستن آداب و رسوم، کوهی از مشکلات در مقابل ما ایجاد می‌کند. بخاطر رنگ پوستمان و لهجه مان مورد تبعیض و اهانت و تمسخر قرار می‌گیریم. جایی که هر روز نگران دستگیری و اخراج خود و کودکانمان هستیم، جایی که بخاطر نداشتن اجازه کار، بیش از گذشته به شوهران و مردان خود وابسته می‌شویم. جایی که نمی‌توانیم خشونت در خانواده را به مسئولین گزارش بدهیم، جایی که تنها کارهایی که به ما زنان می‌دهند، کارهایی هستند با شرایط بسیار دشوار، ساعت‌های طولانی و حقوق ناچیز و بدتر از هر چیزی جایی که مرتباً از جانب کارفرمایان و یا مسئولین مرد کارخانه‌ها و یا فروشگاه‌ها مورد سوءاستفاده و آزار جنسی قرار می‌گیریم.

بخاطر همهٔ این دلایل تبعیض جنسی هر روزه ما را با سختیها و دشواریهای بیشتری روبرو می‌کند و همین باعث شده است که وضعیتی اسفناکتر از مردان پناهنده داشته باشیم. قوانین ادارهٔ مهاجرت نیز در مورد زنان نیز تبعیض و تفاوت قائل است. مردم بخاطر دلایل گوناگونی مهاجرت می‌کنند، بعضی‌ها از خشونت‌های سیاسی و جنگ فرار می‌کنند، بعضی‌ها از سخی‌ها و دشواریهای اقتصادی و فقر می‌گریزند، بخشی بخاطر پیوستن به افراد خانواده‌شان و در بعضی موارد از جمله مورد خود من، از خشونت در خانواده فرار می‌کنند. من در سال ۱۹۸۸ برای نجات خود و دو فرزندم از کشور شیلی فرار کردم. من از سیستم مبتدی فرار کردم که نه تنها از من به عنوان یک زن کتک خورده توسط شهرم، هیچگونه حمایتی نمی‌کند، بلکه به پشتیبانی از مردان می‌پردازد تا قانوناً زنهايشان را مورد آزار جنسی و فیزیکی قرار دهند. بخاطر همین موضوع مجبور شدم شیلی را ترک کنم و به آمریکا بیایم. فکر می‌کردم این کشور به اصطلاح آزاد و «سبیل دفاع از حقوق بشر» از من حمایت و به من پناه خواهد داد. اما وقتی به آمریکا رسیدم تبدیل به یک زن پناهنده غیرقانونی شدم. چرا که قوانین موجود در آمریکا خشونت در خانواده علیه زنان را دلیل موجهی برای پناهندگی نمی‌شناسد. به این ترتیب من و فرزندانم تبدیل به انسانهای بدون کشور شده‌ایم. ما نمی‌توانیم به کشور خودمان بازگردیم چرا که جانمان در خطر خواهد بود و در آمریکا هم به عنوان «غیرقانونی‌ها» هیچ حق و حقوقی نداریم. به همین دلیل است که من از سازمان ملل متحد می‌خواهم که از زنان حمایت کند و خشونت در خانواده را به عنوان یک دلیل موجهه برای پناهنده شدن بپذیرد. امروز از این تریبون، ما از ضرورت حمایت از حقوق زنان همهٔ طبقات حرف می‌زنیم. ما زنان پناهنده و مهاجر از شما می‌خواهیم که به ما به عنوان انسان احترام بگذارید و با ما بر اساس داشتن یا نداشتن برگهٔ اقامت برخورد نکنید.

امروز شما حرف‌های زنان را در رابطه با مشکلات هولناکی که در پیش روی آنهاست شنیدید. کشور من شیلی هیچگونه مسئولیتی در قبال من قبول نمی‌کند و اساساً حس نمی‌کند که در مورد دفاع و حمایت از من به عنوان زنی که از شوهرش کتک خورده است، وظیفه‌ای به عهده دارد. کشور جدید من، آمریکا، موجودیت من را به عنوان یک زن به رسمیت نمی‌شناسد و به تقاضای کمک من جواب مثبت نمی‌دهد. ما پناهندگان، کشور یا دولتی نداریم که به پشتیبانی و حمایت از ما بپردازد. به همین دلیل ساده، ما به کنفرانس سازمان ملل در مورد حقوق بشر آمده‌ایم. ما می‌خواهیم که این پیکرهٔ جهانی به حرفهای زنان گوش دهد و برای حمایت از حقوق انسانی آنها اقدام نماید. ■